

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تخلیگر



ABCDEFGHIJKI

خودآموز زبان انگلیسی

TOP NOTCH

جلد دوم

(سطح ۱)

خودآموز زبان انگلیسی

Top Notch

(سطح ۱)

جلد دوم

چاپ دوم - بهار ۱۳۹۱
گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

Advance
Upper-Intermediate
Intermediate
Pre-Intermediate
Elementary

TahlilGaran.org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز زبان انگلیسی Top Notch
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۴؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک	: دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۱: ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۲: ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۳: ۳-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۴: ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج.۱. مقدماتی ج.۲. سطح ۱ ج.۳. سطح ۲ ج.۴. سطح ۳
موضوع	: زبان انگلیسی -- کتابهای درسی برای خارجیان -- فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی -- خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ خ ۹م / PE۱۱۲۸
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۷۷۷۱

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم، پلاک ۱۸
واحد ۲ تلفن: ۸۸۷۳۷۱۸
سایت اینترنت: www.PersianVi.com
پست الکترونیک: info@PersianVi.com



نام کتاب: خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ - جلد دوم
گردآوری و تألیف: علیرضا معتمد
چاپ دوم: بهار ۱۳۹۱
قطع جیبی: ۶۴ صفحه
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
شبابک دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
بها: ۲۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی تاپ ناچ، مجموعه ای شامل ۶ سطح (به انضمام کتابهای سامیت) بوده که توسط انتشارات لانگمن جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهما، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید هر درس از کتابهای تاپ ناچ است که در چهار جلد شامل ناپ ناچ مقدماتی، تاپ ناچ سطح ۱، تاپ ناچ سطح ۲ و تاپ ناچ سطح ۳ ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی تاپ ناچ مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول

هر زبان جدید می باشد.



TahlilGaran.org

فهرست مطالب :

۶	✓ زمان حال ساده who, what, when کاربرد ✓ where, which کاربرد ✓	Getting Acquainted	درس ۱.
۱۷	✓ حروف اضافه زمان ✓ حروف اضافه مکان	Going out	درس ۲.
۲۱	✓ کاربرد زمان حال ساده	Talking about Families	درس ۳.
۲۴	✓ زمان حال استمراری	Technology	درس ۴.
۲۷	✓ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش a, an, the کاربرد ✓ Quantifiers کاربرد ✓	Eating in, Eating out	درس ۵.
۳۳	✓ کاربرد can, be able to ✓ کاربرد must, have to ✓ کاربرد be going to, will	Staying in Shape	درس ۶.
۳۹	✓ صفت تفضیلی ✓ مفعول مستقیم ✓ مفعول غیر مستقیم	Something to Wear	درس ۷.



۴۷	✓ زمان گذشته ساده ✓ تلفظ صحیح ed در افعال گذشته ✓ افعال بی قاعده گذشته ساده	Getting Away	درس ۸.
۵۳	✓ کاربرد should, could ✓ کاربرد حال ساده در بیان آینده	Taking Transportation	درس ۹.
۵۸	✓ کاربرد صفت عالی ✓ کاربرد enough ✓ کاربرد too	Shopping Smart	درس ۱۰.



Unit 1: Getting Acquainted.

👉 Grammar.

☑️ زمان حال ساده:

در زبان انگلیسی برای بیان حقایق و یا امور روزمره و روتین از زمان حال ساده استفاده می شود. مثلا جمله **من انگلیسی می خوانم** به معنی خواندن زبان انگلیسی بصورت روزمره و تکراری می باشد و یا جمله **در فصل تابستان زمین گرم می شود** به مفهوم بیان حقایق در خصوص فصلها است.

ساختار جملات زمان حال ساده بصورت زیر می باشد:

(مفعول یا سایر ترکیبهای مکمل) + فعل + فاعل

به مثال زیر توجه نمایید :

I Speak English.

You Speak English.

I , You فاعل جملات و Speak فعل و English مفعول می باشد.

☑️ ترکیبهای سوالی زمان حال ساده :

جهت بیان جملات پرسشی در زمان حال ساده کافیت نخست جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و به ابتدای جمله **Do** و **Does** (برای سوم شخص مفرد) اضافه نماییم. به **Do** و **Does**

افعال کمکی گفته می شود که در درسهای آتی در مورد آنها بیشتر خواهیم آموخت.

توجه نمایید که با اضافه نمودن Does به جملات سوم شخص مفرد، S (و یا es در برخی حالتها) از انتهای فعل اصلی حذف می گردد. مثال:

I speak English.
Do I speak English?

He speaks English.
Does he speak English?

☑ ترکیبهای منفی زمان حال ساده:

برای ساختن جملات منفی در زمان حال ساده کافیسست واژه do not را مابین فاعل و فعل اصلی اضافه نماییم. توجه داشته باشید که در جملات سوم شخص مفرد از does not استفاده می کنیم. مثال:

I speak English.
I do not speak English.

He speaks English.
He does not speak English.



☑ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی :

در پاسخ کوتاه به جملات زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

Do you speak English?

Yes, I do.

Does she speak English?

Yes, she does.

Do you speak English?

No, I do not.

Does she speak English?

No, she does not.

توجه داشته باشید که بجای do not می توان از مخفف آن don't و بجای does not از مخفف آن doesn't استفاده نمود:

☑ کاربرد who :

who به معنی (چه کسی) زمانی بکار می رود که فاعل جمله مورد سوال قرار گیرد. مثال :

Ali has a green coat. علی یک کت سبز دارد.

Who has a green coat? چه کسی کت سبز دارد?



برای ساختن جملات پرسشی با **who** کافیسست فاعل را حذف نموده و بجای آن **who** را جایگزین نماییم. توجه داشته باشید که در جملات پرسشی با **who** ساختار جمله تغییر نمی کند. مثال :

چه کسی کت سبز دارد? Who has a green coat?

همان معلم کت سبز دارد. The teacher has a green coat.

چه کسی بهترین دوست تو است? Who is your best friend?

علی بهترین دوست من است. Ali is my best friend.

☑ کاربرد what :

what به معنی (چه چیز) زمانی بکار می رود که بخواهیم در مورد شیئی اطلاعات بیشتری بدست آوریم. برای ساختن جملات پرسشی با **what** کافیسست **what** را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم.

مثال :

چه چیزی پوشیدی? What are you wearing?

من یک کت پوشیدم. I'm wearing a coat.

آن چیست? What is that?

آن یک کامپیوتر است. That's a computer.



☑ کاربرد when :

when به معنی (چه وقت) زمانی بکار می رود که بخواهیم در خصوص زمان انجام فعالیت پرسش نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با when کافیست when را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم. مثال :

When do we eat lunch? کی نهار می خوریم

We eat lunch at noon. ظهر نهار می خوریم

When did you go to Tehran? کی به تهران رفتی

I went Tehran last year. سال گذشته به تهران رفتم

When are you going to go France?

کی قصد داری به فرانسه بروی

I am going to go France next year.

سال آینده به فرانسه خواهم رفت

☑ کاربرد where :

where به معنی (کجا) زمانی بکار می رود که بخواهیم در خصوص محل انجام فعالیتی پرسش نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با where کافیست where را به ابتدای جمله آورده ،

جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل
نماییم. مثال :

Where is the coat? کت کجاست

It's in the hall. آن در هال است.

Where is your pen? قلم شما کجاست

My pen is on the table. قلم من روی میز است.

Where are they from? آنها اهل کجا هستند

They are from Iran. آنها اهل ایران هستند.

☑ کاربرد which :

which به معنی (کدام) زمانی بکار می رود که بخواهیم بین چند چیز پرسشی را مطرح نماییم. برای ساختن جملات پرسشی با which کافیسست which را به ابتدای جمله آورده ، جای فعل و فاعل را عوض کنیم و جمله را به حالت پرسشی تبدیل نماییم.
مثال:

Which chair do you want?

کدام صندلی را می خواهید

I want the green chair.

صندلی سبز را می خواهم



Which is your favorite ice cream?

کدام یک بستنی مورد علاقه شما است

Chocolate is my favorite ice cream.

شکلاتی، بستنی مورد علاقه من است

Which one of them is your brother?

کدام یک از آنها برادر تو است

The tall one is my brother.

آن بلند قد برادر من است



📖 Vocabulary.

programmer:

pro·gram·mer / 'prougræmə/

برنامه نویس

someone whose job is to write computer programs

- *a computer programmer*

photographer:

pho·tog·ra·pher /fə'tɑ:grəfər/

عکاس

someone who takes photographs, especially as a professional or as an artist

- *a fashion photographer*

interpreter:

in·ter·pret·er /ɪn'tə:rprɪtər/

مترجم

someone who changes spoken words from one language into another, especially as their job

- *Speaking **through an interpreter** (=using an interpreter) , Ahmed said, 'I'm very worried about my wife and children'.*

musician:

mu·si·cian /mju'zɪʃən/

نوازنده، موسیقی دان

someone who plays a musical instrument, especially very well or as a job

- *a talented young musician*

manager:

man·ag·er /'mænɪdʒər/

مدیر

someone whose job is to manage part or all of a company or other organization

- *She's now assistant marketing manager for the south east area.*
- *one of our regional managers*

chef:

chef /ʃef/

سرآشپز

a skilled cook, especially the main cook in a hotel or restaurant

- *a master chef*
- *a pastry chef*



salesperson:

sales·per·son / 'seɪlz, pə:'rsən/
plural salespeople

فروشنده

someone whose job is selling things

- *a salesperson*

flight attendant:

'flight at.tendant /flaɪt ə'tendənt/

میهماندار هواپیما

someone who serves food and drinks to passengers on a plane, and looks after their comfort and safety

- *a flight attendant*

graphic design:

.graphic de'sign

طراحی گرافیک

the art of combining pictures, words, and decoration in the production of books, magazines etc



pilot:

pi·lot / 'paɪlət/

خلبان

- *an airline pilot*
- *a fighter pilot*
- *The official report into the accident says that it was caused by pilot error (=a mistake by the pilot) .*



Unit 2: Going Out.

Grammar.

☑ حروف اضافه زمان :

در زبان انگلیسی حرف اضافه in برای قسمتی از روز و همچنین قبل از ماه، سال و فصل بکار می رود. مانند:

in the morning, in the afternoon, in the evening,
in January

حرف اضافه on قبل از روزهای هفته و همچنین روزهای دقیق سال بکار می رود. مانند:

on Saturday, on June 7th, on Friday morning

حرف اضافه at برای مقاطع زمانی از قبیل شب، نیمه شب، ظهر، سپیده دم و ... بکار برده می شود. مانند:

at night, at midnight, at noon, at dawn, at
midday, at sunrise

توجه : حرف اضافه زمانهایی که با ساعت نمایش داده می شود at است:

at 11 AM



☑ حروف اضافه مکان :

حروف اضافه in و at برای مکانها (عموماً سرپوشیده) بکار می رود.

او در یک بیمارستان است. She is in a hospital.

آنها در یک دفتر هستند. They are in an office.

توجه : حرف اضافه in برای اسامی شهرها، کشورها و قاره ها نیز بکار می رود. مانند:

in Mexico, in Osaka, in Asia

توجه : حرف اضافه on قبل از اسامی خیابانها بکار می رود. مانند:

On Gandhi street

توجه : چنانچه عبارتهای at home و at work و at school و ... به معنی انجام دادن فعالیت در محل باشد (مانند کارکردن ، سر کار بودن) بدون ذکر a و an حرف اضافه at بکار برده می شود. در غیر اینصورت چنانچه منظور از جمله قرار گرفتن در موقعیت مکانی باشد از in استفاده می شود. مثال :

او در خانه کار می کند. She works at home.

آنها در مدرسه کار می کنند. They work at school.

من سر کار هستم. I am at work.



👉 Vocabulary.

a movie:

mov·ie / 'mu:vi/

فیلم سینمایی

a film made to be shown at the cinema or on television

- *Do you want to see a movie tonight?*
- *Maybe we'll go to a movie .*

a play:

play /pleɪ/

نمایش، نمایشنامه

a story that is written to be performed by actors, especially in a theatre

- *a play by Chekhov*
- *Eliot wrote plays as well as poetry.*

a concert:

con·cert / 'kɑ:nsərt/

کنسرت

a performance given by musicians or singers

- *live concert performances*
- *a concert of French choral music*



a talk:

talk /tɔ:k/

گفتگو، بحث

a speech, a conversation, a formal discussion

- *a talk on local history*
- *After a **long talk** , we decided on divorce.*

an art exhibit:

art ex·hib·it / ɑ:rt ɪg'zɪbɪt/

نمایشگاه هنر

something, for example a painting, that is put in a public place so that people can go to see it

- *The exhibits date from the 17th century.*



Unit 3: Talking about Families.

Grammar.

☑ زمان حال ساده:

همانطور که در درسهای گذشته دیدیم، زمان حال ساده جهت بیان حقایق، امور روزمره و روتین بکار می رود.

توجه : جملاتی که دارای یکی از قید های تکرار usually, often, ever, always, sometimes, never و ... باشند، بصورت حال ساده نوشته می شوند. مثال:

I always get up at 6 am.

من همیشه ساعت شش صبح از خواب بر می خیزم.

توجه داشته باشید که قیدهایی تکرار همیشه قبل از فعل اصلی و پس از فعل کمکی بکار برده می شوند.

توجه : گاهی برای بیان آینده نزدیک نیز از ترکیبهای حال ساده استفاده می کنیم.

مثال:

Ali goes to school tomorrow morning.



📖 Vocabulary.

single:

sin·gle/ 'sɪŋgəl/

تنها، مجرد

not married

- *Is he single?*
- *The changes in tax rates will benefit single people the most.*

married:

mar·ried / 'mærid/

متاهل

having a husband or a wife

- *Are you married or single?*
- *Married men earn 70 percent more than single men.*

divorced:

di·vorced /dɪ'vɔ:rst/

مطالقہ

no longer married to your wife or husband

- *Are you married, single, or divorced?*
- *a divorced woman*



widowed:

wid·owed / 'widoud/

بیوه

if someone is widowed, their husband or wife dies

- *She was widowed at the age of 25.*
- *his widowed mother*

An only child:child /tʃaɪld/ plural **children** /'tʃɪldrən/

تک فرزند

If someone is an only child, he has no brothers or sisters.

- *Alex is an only child.*

twin:

twin /twin/

دوقلو

used to describe one of two children who are twins

- *Meet my twin sister.*



Unit 4: Coping with Technology.

Grammar.

☑ زمان حال استمراری :

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال :

هم اکنون من دارم سیگار می کشم. I am smoking now.
جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد.
در حالیکه جمله I smoke a cigarette به مفهوم عادت سیگار کشیدن می باشد. (من کلا سیگار می کشم)
ساختار جملات حال استمراری بصورت زیر می باشد:

ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل

مثال :

It is raining. = (It's raining.) باران در حال باریدن است

The sun is shining. خورشید در حال درخشیدن است

It is snowing. = (It's snowing.) برف در حال باریدن است

توجه : برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کافیسست پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

The sun is not shining.

Is it raining?

توجه: اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing

توجه: اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:

run ► running

توجه: جملاتی که دارای یکی از قیدهایی **at present, right now, just now, now** و ... باشند، بصورت حال استمراری نوشته می شوند. مثال:

حالا داری چکار می کنی؟ **What are you doing now?**

توجه: افعال حسی که بدون قصد و اراده انجام می شوند، معمولا بصورت حال استمراری (**ing** دار) بکار برده نمی شوند. مهمترین این افعال عبارتند از:

want, need, like, hate, see, feel, know, seem, mean, ...

I feel cold.

I see her.



👉 Vocabulary.

microwave oven:

mi·cro·wave ov·en /maɪkrəweɪv ʌvən/

اجاق مایکروویو

a type of oven that cooks food very quickly using very short electric waves instead of heat

- *I'll heat it up in the microwave.*

coffee maker:

cof·fee /kə:fi meɪkər/

قهوه ساز

a machine that makes coffee

- *Grind the beans to suit your coffee maker.*

hair dryer:

hair·dry·er /'heɪ,draɪər/

دستگاه خشک کن موی سر

a machine that blows out hot air for drying hair

- *a hair dryer*



Unit 5: Eating in, Eating out.

Grammar.

☑ کاربرد اسامی غیر قابل شمارش:

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب ، میز و ... اسم جمع این اسامی با S (و یا es) همراه می باشد. مانند: books , tables

اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک، حبوبات و ... اسامی غیر شمارشی بصورت مفرد در جمله ظاهر می شوند. و هنگامی که بخواهیم اسامی غیر شمارشی را بصورت جمع در جمله بکار ببریم از عبارتهایی نظیر قطعه ، لیوان ، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم.
مثال :

two glasses of water دو لیوان آب

two kilos of rice دو کیلو برنج

three pieces of bread سه تکه نان

مهمترین اسامی غیر قابل شمارش عبارتند از:

abstract ideas: health, advice, help, luck, fun

sports and activities: tennis, swimming, golf, basketball

illnesses: cancer, AIDS, diabetes, dengue

خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (سطح ۱)

natural events: rain, snow, wind, light, darkness

academic subjects: English, Chemistry, Art, Mathematics

Foods: rice, milk, sugar, fat

فعل اسامی غیر قابل شمارشی، بصورت مفرد در جملات بکار می رود. مثال:

Fat isn't good for you.

چربی برای شما خوب نیست.

Mathematics is my favorite subject.

ریاضیات مورد علاقه من است.

☑ کاربرد a, an, the :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدید قبل از اسامی مفرد از a و an استفاده می کنیم. هنگامی که این اسامی به شیء بخصوصی اشاره نماید از the استفاده می گردد. مثلا **a book** (یک کتاب) و **the book** (کتاب مورد نظر)

توجه : برای اسامی جمع نیز می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می شود استفاده نمود. مانند **the books** (کتابهای مورد نظر)

توجه : در اسامی جمع غیر قابل شمارشی که با s و es همراه نیستند، نیز می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می کنند استفاده نمود. مانند: **the water**

Water is cold.

آب (بطور کلی) خنک است

The water in my glass is cold.

آبی که در لیوان من است خنک می باشد

Rice is white.

برنج سفید است

The rice in my plate is white.

برنجی که در بشقاب من است سفید می باشد

☑ کاربرد Quantifier ها :

quantifiers (لغاتی که بیانگر کمیت و تعداد می باشند) به کلماتی اطلاق می شود که قبل از اسم (شمارشی یا غیر شمارشی) آمده و کمیت آنرا مشخص می کند. پرکاربردترین quantifier ها عبارتند از:

all(100%), most(90%), a lot of(80%),
lots of(80%), many(80%), much(80%),
some(70%), any(70%), a few(30%),
a little(30%), few(10%), little(10%),
none(0%)



به مثالهای زیر توجه نمایید:

All of us will die one day.

یک روز همه ما خواهیم مرد.

Most people say that they will get married.

بیشتر مردم می گویند که آنها ازدواج خواهند کرد

Many people will learn how to drive a car.

اغلب مردم رانندگی را خواهند آموخت

Some people will have large family.

بعضی از مردم خانواده بزرگ خواهند داشت

A few people will not get married.

تعداد کمی از مردم ازدواج نخواهند کرد

Few people are going to have ten children.

بسیار اندکند کسانی که می خواهند ده فرزند داشته باشند

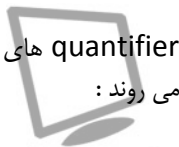
No one can live without water.

هیچکس بدون آب زنده نخواهد ماند

quantifier های زیر فقط برای اسامی شمارشی بکار می روند :
many, a few, few

quantifier های زیر فقط برای اسامی غیر قابل شمارشی بکار
می روند :

much, a little, little



👉 Vocabulary.

grape:

grape /greɪp/

انگور

vegetable:

vege·ta·ble /'vedʒtəbəl/

سبزی

carrot:

car·rot /'kærət/

هویج

pepper:

pep·per /'pepər/

فلفل

onion:

on·ion /'ʌnjən/

پیاز

lamb:

lamb /læm/

sausage:

saus·age /'s ɔ: sɪdʒ/



seafood:

sea·food / 'si:fu:d/

غذای دریایی

shrimp:

shrimp /ʃrɪmp/

میگو

clam:

clam /klæm/

صدف خوراکی

crab:

crab /kræb/

خرچنگ

grain:

grain /greɪn/

حبوبات

dairy products:

dai·ry prod·uct / deri prɑ:dʌkt/

لبنیات

olive oil:

.olive 'oil / ɑ:ɪv 'ɔɪl/

روغن زیتون



Unit 6: Staying in Shape.

Grammar.

☑ کاربرد can :

can به معنی (امکان داشتن و توانستن) در جملات بکار می رود. مثال :

I can speak English. من می توانم انگلیسی صحبت کنم.

We can understand English. ما می توانیم انگلیسی بفهمیم.

در این ساختار can فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات پرسشی می بایست can را به ابتدای جمله بیاوریم. (توجه داشته باشید که can't حالت مخفف can not می باشد.) مثال :

I can't speak Russian. من نمی توانم روسی صحبت کنم.

توجه : can به مفهوم (اجازه داشتن) نیز در جملات بکار می رود. مثال :

Ali can drive a car. He has driving license.

علی می تواند رانندگی کند. او گواهینامه رانندگی دارد.

Mary can't drive a car. She doesn't have driving license.

ماری نمی تواند رانندگی کند. او گواهینامه رانندگی ندارد.

☑ کاربرد **be able to** :

be able to به معنی (قدرت و توانایی انجام کاری را داشتن) است. مثال :

I am able to come tonight.

من می توانم امشب بیایم

He is ill. He is not able to go to school.

او بیمار است و نمی تواند به مدرسه برود

We were not able to get a good grade.

ما نتوانستیم نمره خوبی کسب کنیم

☑ کاربرد **must** :

must به معنی (مجبور بودن) در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

You mustn't smoke in the living room.

(چاره دیگری ندارید) شما نباید در اطاق نشیمن سیگار بکشید

You must study now. تو مجبور هستی که درس بخوانی.

☑ کاربرد **have to** :

have to و **has to** (برای سوم شخص مفرد) به معنی (مجبور بودن) و تقریباً مترادف **must** می باشد. مثال:

I have to do it.

مجبورم که این کار را بکنم

She has to wash her hands.

مجبور است که دستهایش را بشوید

☑ کاربرد **be going to** در زمان آینده ساده :

be going to به معنی (قصد داشتن) برای بیان تصمیم و برنامه ریزی در آینده نزدیک (بصورت پیش بینی شده) بکار می رود. مثال:

She is going to buy a new coat for winter.

او تصمیم دارد تا برای زمستان کت جدیدی بخرد - تصمیم

I studied hard. I'm going to get a good grade.

من سخت مطالعه کرده ام. نمره خوبی خواهم گرفت - برنامه ریزی

در این ساختار **be** فعل کمکی می باشد. بنابر این برای ساختن جمله منفی باید **not** را به آن اضافه نماییم و در جملات پرسشی می بایست **be** را به ابتدای جمله بیاوریم. (**be** بصورت **am , is , are** ظاهر می شود.)

She is not going to buy a new coat for winter.

Are you going to study architecture?

توجه : برای بیان مواردی که در گذشته قصد انجام آنرا داشته ایم ولی انجام نشده باشد، می توان حالت گذشته **be going to** را بکار برد.



مثال:

She was going to see you, but she couldn't.

او قصد داشت که به دیدن تو بیاید، ولی نتوانست.

☑ کاربرد will :

will برای بیان آینده دور و همچنین بیان حقایق، یا بیان مواردی که بدون پیش بینی در آینده اتفاق خواهد افتاد بکار می رود.

مثال :

What will you do five years later?

پنج سال آینده چکار خواهی کرد؟ - آینده دور

در این ساختار will فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات پرسشی می بایست will را به ابتدای جمله بیاوریم.

توجه : won't صورت مخفف will not است.

The film won't start tomorrow



👉 Vocabulary.

gym:

gym /dʒɪm/

سالن ورزشی

a special building or room that has equipment for doing physical exercise

- *I try and work out at the local gym once a week.*
- *I go to the gym as often as I can.*

track:

track /træk/

محل مسابقه دو (و میدانی)

a circular course around which runners, cars etc race, which often has a specially prepared surface

- *a track*

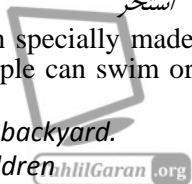
pool:

pool /pu:l/

استخر

a hole or container that has been specially made and filled with water so that people can swim or play in it

- *They have a nice pool in their backyard.*
- *a shallow pool suitable for children*



athletic field:

ath·let·ic field /æθlətɪk fi:ld/

زمین ورزشی

an area of ground where sports are played

- *an athletic field*

golf course:

'golf course /gɔ:lf kɔ:rs/

زمین بازی گلف

an area of land where golf is played

- *A golf course*

tennis court:

'tennis court / 'tenɪs kɔ:rt/

زمین بازی تنیس

the four-sided area that you play tennis on

- *a tennis court*



Unit 7: Finding Something to Wear.

Grammar.

☑ صفت تفضیلی :

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت بهم بکار می رود.
مانند **علی از مریم بلندقدتر است.** در این جمله **بلندقدتر**
صفت تفضیلی می باشد.

در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن **-er** به انتهای صفت‌های
تک سیلابی بدست می آید. مثال :

بلندتر : taller ▶ بلند : tall

علی از ماری قدبلندتر است. **Ali is taller than Mary.**

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی **(از)**
جهت مقایسه دو اسم بکار می رود.
مثال :

This book is not cheaper than that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست

توجه : هنگام افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی که
حرف انتهای آنها بی صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدادار است،
حرف انتهای تکرار می شود. مانند **bigger , fatter , hotter**

✓ سیلابها در زبان انگلیسی :

به لغاتی مانند cat , dog , horse که در یک بخش ادا می شوند ، کلمات تک سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند monkey , dolphin که در دو بخش ادا می شوند ، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo , elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند.

همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old ، صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای لغت تشکیل می شود. مانند: older و taller

✓ صفت تفضیلی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت تفضیلی با افزودن more به ابتدای لغت تشکیل می شود. مانند : more beautiful

به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My mother is older than your mother.

مادر من از مادر تو مسن تر است

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است



✓ صفت های تفضیلی بی قاعده :

بعضی صفت‌های تفضیلی بی قاعده بوده و با افزودن -er به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند :

Good : خوب ► Better : بهتر

Bad : بد ► Worse : بدتر

far : دور ► further : دورتر

✓ کاربرد less :

گاهی صفت‌های تفضیلی چند سیلابی با less به معنی (کمتر) بجای more به معنی (بیشتر) نوشته می شوند. در این حالت جمله مفهوم منفی خواهد داشت. مثال :

My book is more expensive than your book.

کتاب من از کتاب شما گرانتر است

Your book is less expensive than my book.

کتاب شما از کتاب من گرانتر نیست

✓ مفعول مستقیم در جملات انگلیسی :

همانطور که دیدید ساختار جملات زبان انگلیسی بصورت **فاعل + فعل + مفعول** می باشد. این نوع مفعول که بصورت بی واسطه در جملات ظاهر می شود را مفعول مستقیم می گوئیم:

I drive a car.

من یک ماشین را می رانم



خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (سطح ۱)

Boys play football.

پسرها فوتبال بازی می کنند

Cats eat fish.

گره ها ماهی می خورند

در جملات فوق **ماشین و فوتبال و ماهی** به ترتیب مفعول مستقیم جملات می باشند.

توجه: مفعول مستقیم با پرسش (چه چیزی را) و (چه کسی را) در جملات مشخص می شود. مثلا (من چه چیزی را می رانم؟ ماشین)

یادآوری: در درسهای گذشته دیدیم که گاهی بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده می شود. مثال:

He is reading it. او آن را می خواند

☑ مفعول غیر مستقیم در جملات انگلیسی :

اگر جمله دارای دو مفعول باشد، مفعول شیء را بصورت مفعول مستقیم و مفعول شخص را بصورت مفعول غیر مستقیم بیان می کنیم. مفعول غیر مستقیم با واژه های **to** و **for** در جملات ظاهر می شوند. مانند:

I give a pen to him. من یک قلم را به او دادم

در این جمله a pen مفعول مستقیم می باشد و to him مفعول غیر مستقیم است.

توجه : مفعول غیر مستقیم با پرسش (برای چه کسی) و (به چه کسی) در جملات مشخص می شود. مثلا (من قلم را به چه کسی دادم؟ به او)
مثال :

She gives a present to him.

او به آن مرد یک هدیه می دهد

He makes dinner for his wife.

آن مرد برای همسرش شام درست می کند

توجه : اگر مفعول غیر مستقیم بلافاصله پس از فعل اصلی در جملات بیاید to و for حذف می شود. مانند :

I give a pen to him.

► I give him a pen.



👉 Vocabulary.

gloves:

glove /glʌvz/

دستکش

a piece of clothing that you wear on your hand in order to protect it or keep it warm

- *A pair of gloves*

pajamas:

pa·ja·mas /pə'dʒɑ:məz/

پیجامه

a soft pair of trousers and a top that you wear in bed

- *a pair of pajamas*

sock:

sock /sɔ:k/

جوراب

a piece of clothing made of soft material that you wear on your foot inside your shoe

- *a pair of socks*



panties:

pan·ties / 'pæntiz/

لباس زیر زنانه

a piece of women's underwear that covers the area between their waist and the top of their legs

boxers:

box·ers / 'bɑ:k sərz/

لباس زیر مردانه

loose cotton underwear for men

- *a pair of boxers*

briefs:

briefs /bri: fz/

لباس زیر

men's or women's underwear worn on the lower part of the body

- *a pair of briefs*

pantyhose:**tights :**pantihose / 'pæntihouz/ American Englishtights /taɪts/ British English

a very thin piece of women's clothing that covers their legs from the toes to the waist and is usually worn with dresses or skirts

- *a pair of pantyhose*

pants:

pants /pænts/

شلوار

a piece of clothing that covers you from your waist to your feet and has a separate part for each leg

- *a pair of pants*

short:

short /ʃɔ:rt/

شلوارک

short trousers ending at or above the knees

- *a pair of shorts*



Unit 8: Getting Away.

Grammar.

☑ زمان گذشته ساده :

زمان گذشته ساده برای بیان فعلی استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال :

I worked yesterday. من دیروز کار کردم

ساختار زمان گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

گذشته فعل اصلی + فاعل

توجه : افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند :

rain ► rained

work ► worked

توجه : زمانیکه انتهای فعل به **-e** ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل ، افزودن **-d** به انتهای فعل کافی می باشد. مثال :

exercise ► exercised

توجه : زمانیکه انتهای فعل به **-y** ختم شده باشد و قبل از **-y** حرف صدادار وجود نداشته باشد، **-y** حذف شده و بجای آن **-ied** قرار می گیرد. مانند :

study ► studied

توجه : زمانیکه انتهای فعل به y - ختم شده باشد و قبل از y - حرف صدادار وجود داشته باشد، گذشته فعل بصورت عادی $-yed$ نوشته می شود. مانند :

play ► played

توجه : اگر انتهای فعل به حروف صدا دار ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن $-ed$ حرف آخر تکرار می شود. مانند :

stop ► stopped

☑ تلفظ صحیح ed در افعال با قاعده:

۱ - اگر انتهای فعل به یکی از حروف p, ch, sh, s, k ختم شود، $-ed$ بصورت $/t/$ تلفظ می شود. مانند:

watched, cooked, stopped

۲ - اگر انتهای فعل به یکی از حروف d, t ختم شود، $-ed$ بصورت $/Id/$ تلفظ می شود. مانند:

visited, needed, waited

☑ افعال بی قاعده در گذشته ساده:

افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده با اضافه نمودن $-ed$ به انتهای آنها ساخته نشده و ساختار فعل عوض می شود. مثال :

من به مدرسه رفتم. I went to school. : go ► went

فهرست مهمترین افعال بی قاعده به همراه گذشته آنها عبارتند از:

- do ► did انجام دادن
 have ► had داشتن
 go ► went رفتن
 come ► came آمدن
 drive ► drove رانندگی کردن
 eat ► ate خوردن
 fly ► flew پرواز کردن
 get ► got بدست آوردن
 give ► gave دادن
 leave ► left ترک کردن
 ride ► rode سوار شدن
 say ► said گفتن
 see ► saw دیدن
 sit ► sat نشستن
 stand ► stood ایستادن
 take ► took گرفتن - بردن

☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده :

همانطور که گفته شد ساختار جملات گذشته ساده بصورت **فاعل + گذشته فعل اصلی** می باشد. جملات پرسشی گذشته ساده با افزودن **did** به ابتدای جمله و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شود. مانند:

Did you come home?

جملات منفی گذشته ساده نیز با افزودن **didn't** ماقبل فعل اصلی و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شود. مانند:
I didn't come home.

☑ فعل کمکی :

به افعالی از قبیل **did** فعل کمکی گفته می شود. این افعال در اصل جهت ساختن زمانهای مختلف بکار رفته و به تنهایی معنایی ندارند.

توجه : همانطور که گفته شد همیشه از فعل کمکی **did** در ابتدای جمله برای ساختن جملات پرسشی و از فعل کمکی **didn't** ماقبل فعل اصلی برای ساختن جملات منفی استفاده می شود. زمانیکه فعل اصلی از ترکیبات **(was / were) be** باشد، جملات پرسشی و منفی بصورتهای زیر نوشته می شود:

I was at school. من در مدرسه بودم

I was not at school. من در مدرسه نبودم

Was I at school? آیا من در مدرسه بودم?

☑ قید زمان در گذشته ساده :

معمولاً از قید زمان در جملات گذشته ساده استفاده می شود. مهمترین این قیدها عبارتند از:

before, yesterday, last week, last year, ago

👉 Vocabulary.

comfortable:

com·fort·a·ble / 'kʌmfərtəbəl/

راحت

feeling physically relaxed, without any pain or without being too hot, cold etc

- *I was so comfortable and warm in bed I didn't want to get up.*
- *Sit down and make yourself comfortable.*

scenic:

sce·nic / 'si:nɪk/

خوش منظر

surrounded by views of beautiful countryside

- *a region of **scenic beauty***

boring:

bor·ing / 'bɔ:riŋ/

خسته کننده

not interesting in any way

- *Her husband is about the most boring person I've ever met.*
- *The job was dull and boring.*



bumpy:

bump·y / 'bʌmpɪ/

ناهموار، پر دست انداز

a) a bumpy surface is flat but has a lot of raised parts so it is difficult to walk or drive on it

b) a bumpy journey by car or plane is uncomfortable with movements up and down because of bad road or weather conditions

- *a bumpy road*
- *The plane made a bumpy landing.*

scary:

scar·y / 'skeri/

ترسناک

frightening

- *a scary movie*
- *The book is both scary and funny.*



Unit 9: Taking Transportation.

Grammar.

☑ کاربرد should :

should گذشته shall و به مفهوم (بهتر است که ...) جهت بیان و درخواست نصایح، راهنمایی و پیشنهاد در جملات بکار می رود. مثال :

I am tired. I should go to bed .

خسته هستم. بهتر است که به تختخواب بروم

My mother is ill. She should not go to work .

مادرم بیمار است. بهتر است که به سرکار نرود

should فعل کمکی بوده و برای ساختن ترکیبهای منفی می بایست not را به should اضافه کنیم. همچنین با آوردن should به ابتدای جملات می توان جملات را پرسشی نمود:

You should not go to school today.

Should I see a doctor?

توجه : هنگامی از should در زمان گذشته استفاده می کنیم که منظورمان عملی باشد که باید در گذشته اتفاق افتاده و رخ نداده است. در این حالت گذشته should بصورت

should have + قسمت سوم فعل نوشته می شود.

مثال:

You should have listened to your wife.

تو می بایست به حرف همسرت گوش می کردی (ولی گوش نکردی)

☑ کاربرد could :

could صورت گذشته فعل can می باشد و برای بیان توانایی، امکان انتخاب (یک گزینه از چند گزینه) و همچنین درخواستهای مودبانه بکار می رود. مثال:

The express bus is full. You could take taxi.

اتوبوس سریع السیر پر شده است. شما می توانید تاکسی بگیرید.

توجه : could می تواند در ترکیبهای حال ساده نیز مستقلا بکار رود. مثال:

Could I take this bus?

می توانم این اتوبوس را انتخاب نمایم؟

No, you couldn't.

خیر، نمی توانید.



☑ کاربرد زمان حال ساده در بیان امور آینده :

گاهی از زمان حال ساده نیز می توان در بیان فعالیتهای آینده ساده استفاده نمود، مخصوصا اگر یکی از افعال حرکتی در جملات نوشته شود. پرکاربردترین افعال حرکتی عبارتند از:

arrive, come, depart, fly, go, head, leave, sail, start

مثال:

This Monday the train leaves at noon.

این دوشنبه، قطار سر ظهر حرکت خواهد کرد.



📖 Vocabulary.

passenger:

pas·sen·ger / 'pæsəndʒər/

مسافر

someone who is travelling in a vehicle, plane, boat etc, but is not driving it or working on it

- *Neither the driver nor the passengers were hurt.*
- *a crash involving a passenger train*

agent:

a·gent / 'eɪdʒənt/

مأمور، نماینده

a person or company that represents another person or company, especially in business

- *Our agent in Rio deals with all our Brazilian business.*

boarding pass:

boarding card:

'boarding pass / 'bɔ:rdɪŋ pæs/

کارت پرواز

an official card that you have to show before you get onto a plane

security:

se·cu·ri·ty /sɪ'kjʊrɪti/

حراست

the department of a company or organization that deals with the protection of its buildings and equipment

- *One of the sales clerks called security.*

overbook:

o·ver·book /, oʊvər'bʊk/

فروش بلیط اضافه تر از صندلی موجود

to sell more tickets for a theatre, plane etc than there are seats available

- *overbooked hotels*

cancellation:

can·cel·la·tion /,kænsə'leɪʃən/

لغو کردن

a decision that an event that was planned will not happen

- *Rail passengers are fed up with cancellations and delays.*
- *Bad weather led to the cancellation of the game.*

Unit 10: Shopping Smart.**Grammar.****☑ کاربرد صفت عالی :**

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم بکار می رود.
مانند **علی بلندقدترین دانش آموز است.** در این جمله
بلندقدترین صفت عالی می باشد.

در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن **-est** به انتهای صفت‌های
تک سیلابی ساخته می شود. مثال :

بلندترین : tallest ► بلند : tall

علی قدبلندترین دانش آموز است. Ali is the tallest student.

توجه : the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه
قبل از صفت عالی بکار می رود. مثال :

علی جوانترین بچه است. Ali is the youngest child.

☑ صفت عالی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت عالی با
افزودن **most** به ابتدای لغت ساخته می شود. مانند :

most beautiful

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است

✓ صفت عالی بی قاعده :

بعضی صفت‌های عالی بی قاعده هستند. و با افزودن -est به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند :

Good : خوب ► Best : بهترین

Bad : بد ► Worst : بدترین

far : دور ► furthest : دورترین

✓ ترکیب much با صفت عالی :

ترکیب much با صفت عالی به آن مفهوم (خیلی) می دهد. (در این حالت از very استفاده نمی شود)
مثال:

This book is much cheaper than that book.

این کتاب از آن کتاب بسیار ارزاتر می باشد.

✓ کاربرد enough :

enough قبل از صفت به معنی (به اندازه کافی) بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old enough to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود.

It was warm enough to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده که بتوانیم به مدرسه برویم.



☑ کاربرد too :

too قبل از صفت به معنی (خیلی، آنقدر زیاد) بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is too cold.

آب آنقدر سرد است (که نمی توان در آن شنا کرد)

I can't drink this tea. It's too hot.

(=The tea is too hot to drink.)

نمی توانم این چای را بنوشم. خیلی داغ است.



📌 Vocabulary.

painting:

paint·ing / 'peɪntɪŋ/

نقاشی

a painted picture that you put on a wall for people to see

- *Can you help me **hang** this **painting** (=put it on a wall) ?*

rug:

rug /rʌg/

قالیچه

a piece of thick cloth or wool that covers part of a floor, used for warmth or as a decoration

necklace:

neck·lace / 'nek-lɪs/

گردنبند

a string of jewels, beads etc or a thin gold or silver chain to wear around the neck

- *She was wearing a coral necklace.*



vase:

vase /veɪz/

گلدان

a container used to put flowers in or for decoration

- *mandarin vase*



منابع و مراجع

- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch 1, Pearson Longman 2006
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Dictionary, TahlilGaran 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Pre Intermediate, TahlilGaran 2010



آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

تحلیکر

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی آموزشگاه مراجعه

www.PersianVi.com

نماینده: TahsilGaran.com

TahlilGaran

Distance Learning English Courses

Top Notch Level 1

■ Vocabulary ■ Grammar

شابک : ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

دوره : ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸



تهران - میدان ونک - خیابان گاندی هجدهم - پلاک ۱۸ - واحد ۲ تلفن : ۸۸۸۷۳۷۱۸

پست الکترونیک : info@PersianVi.com

سایت اینترنت : www.PersianVi.com

قیمت : ۲۵۰۰ تومان